



شاه نامه ابن سند جاودانه گی ایران

بخش چهاردهم: اقتباس موضوعی و انتخابی از شاه نامه و مقدمه های آن
ادامه از شماره ۷۰ نگارش: «محمد کرمی» و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

زمینه‌ها
فکری و فرهنگی
داستان‌های حماسه در ایران



(هنوز چند روزی از رحلت پیامبر اسلام نگذشته بود که بر سر جانشینی وی بین پیروانش اختلاف نظر و دو دسته گی و بعدها چند دسته گی به وجود آمد . پس از چهار خلیفه ی اول که به خلفای راشدین مشهور هستند و خود بر سر نوع انتخاب آن ها مسایلی و اختلاف نظرهای بسیار وجود دارد ، حکومت مسلمانان به دست اخلاف ابوسفیان افتاد که به آل امیه یا بنی امیه و یا امویان شهرت داشتند .)

(معاویه پسر ابوسفیان یکی از مشهورترین و در عین حال ثروت مند ترین سران قبایل عرب ، فردی بسیار زیرک و در کار سیاست بسیار زرنگ و حیله گر بود . او سرانجام پس از مبارزه ای پنهانی ، ولی بسیار طولانی ، حکومت را بعد از خلفای راشدین در اختیار گرفت . علت اصلی ضدیت معاویه با خاندان پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) ریشه ای دیرینه دارد و به جنگ خراسان و پسر امیه و پدر ابوسفیان با حضرت محمد (ص) در هنگام مبارزات پیامبر اکرم و جنگ های وی با بی دینان و بت پرستان می رسد .)

(حضرت محمد (ص) از قبیله ی هاشمیان بود که به پیامبری مبعوث گردید . امویان از این پیش آمد به سختی برآشفته شدند و سال ها با پیامبر اکرم آشکارا ستیزی می کردند تا جایی که حضرت محمد (ص) دست به مهاجرت تاریخی خود زدند . پس از آن که رهبری قبیله قریش به دست ابوسفیان افتاد ، وی از حضرت محمد (ص) شکست خورد . پیامبر اکرم به خاطر جلوگیری از جنگ و خون ریزی بیشتر ، همه آنان را بخشود و آنان همه گی اسلام آوردند . چنین می نماید که چون فرزندان امیه خود را مستحق حکومت می دانستند ، به ظاهر با مسلمانان از در سازش در آمدند و به دین اسلام گرویدند . این آتش کینه و دشمنی در زیر خاکستر نهفته ماند تا این که سال چهل بعد از هجرت فرا رسید . در ماه های آخر خلافت عثمان اغتشاش ، آشوب و هرج و مرج ، دیگر حد و مرزی نداشت و قدرت حکومت مرکزی از بین رفته بود و مدعیان خلافت زیاد شده بودند . در این میان « معاویه بن ابوسفیان بن حرب بن امیه » از هرج و مرج و آشوب و اغتشاش دوران پایانی خلافت عثمان استفاده کرد و با کمک ایادی و کارگزاران خود و دست و دل بازی مالی فراوان و حیله گری و ظاهرسازی و فریب کاری ، گروه های نادان و سرخورده و معترض و عوام را علیه خاندان پیامبر اسلام (ص) به ویژه حضرت علی (ع) شورانید و سرانجام با دسیسه های فراوان خلافت را که در حقیقت جانشینی پیامبر اسلام بود به جنگ آورد . معاویه با این هدف مشخص آمده بود تا کینه ی دیرینه ای را که در طول این ده ها سال از پیامبر اسلام و به ویژه حضرت علی در دل داشت از خاندان و فرزندانش باز ستاند . دسیسه ها ، فریب کاری و حیله گری معاویه و اطرافیانش توده های مسلمان را برآشفته و سرانجام تعدادی جاهل و ناآگاه را بر آن داشت که حضرت علی (ع) را که یکی از پیروان راستین پیامبر بود به شهادت برسانند .)
(در عصر حکومت امویان که از معاویه شروع می شود ، مرکزیت سیاسی مسلمانان در بغداد « خلافت » نام گرفت و رئیس حکومت « خلیفه » نامیده شد و خلیفه که خود را وارث الله در روی زمین و جانشین حضرت محمد (ص) در حاکمیت مطلق اسلام می دانست ، به سختی بر محور این جهانی و آن جهانی مادی و الهی تکیه زده بود . خلیفه بر مسند حکومت و خلافت خویش آن چنان بی مهابا و مستبدانه می تازید و بر مال و جان و ایمان و اعتقادات و دنیا و آخرت مسلمانان و توده های سرزمین های مغلوب جنگ انداخته بود که گویی تا هستی پایدار است ، هیچ کس را یزای بر هم زدن این نظم نیست .)

(رهنمودهای پیامبر اکرم (ص) با ظهور خلفای اموی دگرگون شد و آن عدالت و دادگری روزهای آغازین اسلام که باعث اتحاد و انسجام توده ها با یک دیگر شده بود ، با روی کار آمدن خلفا رنگ باخت و ظلم و بی داد و تجاوز به حریم اسلام و مسلمانان و غیر مسلمانان جای گزین معیارهای اسلامی گردید و شعار برتری و مزیت نژاد عرب بر عجم ، پیام ارزش مند برابری و برادری همه ی نژادها را که فقط چند سال پیش از آن به وسیله ی پیامبر جهت یگانه گی و یک پارچه گی تمامی مسلمانان در رأس دستورات اسلام قرار گرفته بود ، به زیر سؤال رفت .)

(بدین ترتیب ستم و بی عدالتی اجتماعی و نابرابری حقوق انسان ها که اسلام علیه آن قیام کرده بود دوباره به وسیله ی خلفای اموی و کارگزاران آن ها در زیر پوشش مذهب اسلام و حکومت الهی خلیفه و فقاقت و ولایت ، جانشینان خلیفه بر جان و مال و ناموس مردم ، به صورت بسیار گسترده تری گسترش یافت و توده های محروم عرب و غیر عرب را به محض کم ترین انتقاد و یا مخالفت با سیستم حکومتی و سیاست ظالمانه ی نظام ، به اتهام کفر و الحاد و شرک و زندقده تحت سخت ترین فشارهای روحی و بی گرد و قتل و کشتار دسته جمعی قرار می داد . این بی دادگری ها موجب گردید که از همان سال های آغازین حکومت امویان یعنی در محدوده ی سال چهل هجری ، نارضایتی و آشوب های پراکنده ای در بین توده های مسلمان پدیدار گردد . در سال های بعد با فشار و ستم بیشتر حکومتیان ، شورش های سازمان یافته تری به وقوع پیوست

که سرانجام خلیفه ی اموی به نام مروان دوم در سال ۱۳۲ هجری با قیام ایرانیان آزاده به فرماندهی سرداری بزرگ از ایالت خراسان بزرگ به نام ابومسلم خراسانی به قتل رسید و به خلافت ستمگرانه ی ۹۰ ساله ی امویان پایان داده شد .)
(ابومسلم خراسانی پس از برانداختن خلافت امویان به امید واهی دست یافتن به عدالت اجتماعی و کاهش فشار تازیان بر ایرانیان از طریق آل عباس و عبدالله سفاح اولین خلیفه ی عباسی ، عباسیان را به خلافت بسیار طولانی ۵۰۰ ساله رساند . ابومسلم خراسانی که بسیاری از تاریخ نگاران ناآگاه او را شیری شزه ایرانی ای نژاده ا وطن پرست او بسیار شجاع گفته اند و نوشته اند ، آن قدر جرأت و سیاست نداشت که به پادشاه برانداختن حاکمیتی بی داد و ستم گر ، خودش و یا سلسله ای ایرانی را بر سر کار آورد و ایران و ایرانی را از یوغ اسارت سیاسی و مذهبی تازیان برهاند . ابومسلم با باورهای اخلاقی و آرمانی خود بدون این که مرزبندی های سیاسی را رعایت کند ، دست و پا بسته تسلیم سیاست بازی و حیله گری قومی گردید که در سر تا سر تاریخ ، پای بندی به تعهدات و قراردادهای اجتماعی ، هرگز در بین آن ها نقشی نداشته است . در حالی که این مبارز ایده آلیست می توانست با تکیه بر نیروهای مؤمن و متمهدی که بز گردش جمع شده بودند پس از برانداختن امویان ، علاوه بر رهایی از سلطه ی تازیان ، حکومتی ملی و متشکل از عناصر ایرانی تشکیل دهد ، به خاطر آرمان گرایی مذهبی به بی راهه رفت ، سر خوبشتن را بر باد داد و سرزمین خود را دچار مصیبتی بزرگ تر کرد .)

(چندی پیش نباید که برانداخته ی حکومت امویان و بر پا کننده ی خلافت عباسیان ، با دسیسه و نیرنگ خلیفه از خراسان به بارگاه عباسیان در بغداد دعوت شد و در آن جا به دستور منصور خلیفه ی دوم عباسی به طرز ناجوانمردانه ای به عنوان میهمان مورد حمله قرار گرفت و کشته شد و دگربار بساط خلافت به حکومت خدعه و نیرنگ تبدیل گردید و آتش ضدیت تازیان با ایرانیان شعله ورتز شد .)
(وجود این بی عدالتی ها و ناجوان مردی ها از یک سو ، و پیاده نشدن تعالیم عالیه ی صدر اسلام در سر تا سر قلمرو اسلام و خود کلامه گی و دسیسه گری و فشارهای مالی و مالیاتی به صورت جزیه و نظایر آن از سوی دیگر ، باعث به وجود آمدن خیزش های ملی و میهنی علیه تازیان گردید . کانون این شورش ها و اعتراض ها بیشتر در محورهای شرقی و منطقه ی خراسان بزرگ قرار داشت که از مرکز



حاکمیت خلفا در بغداد بسیار دور بود .

(به زودی قیام مردم علیه بی دادگری های خلفا و کارگزاران آن ها سازمان یافته تر شد و کم کم رنگ منازعه ی سیاسی به خود گرفت و صدای آزادی خواهی و استقلال طلبی و جدایی از خلفا و اندیشه ی تشکیل حکومت مستقل باعث پیدایش سلسله هایی در خاور ایران گردید که از چهارچوب این سلسله ها، بخش بزرگی از خاندان کهن ایرانی همراه با نفوذ پشت در پشت خود با حفظ سنت ها و آداب و رسوم و فرهنگ و زبان و ادبیات پارسی به چشم می خوردند . تازیان بسیار کوشیدند تا خواندن و نوشتن به زبان مادری را از ایرانیان بگیرند و بدین وسیله با جایگزینی خط و زبان تازی ، قومیت ، فرهنگ و ملیت ایرانیان را تحت سلطه و اقتیاد کامل خود در آورند . اگرچه در نگارش ، حروف فارسی و عربی تقریباً به یک شکل در آمدند و به جز چهار حرف « پ ، چ ، ژ ، گ » بقیه ی حروف به صورت مشترک بین دو زبان مورد استفاده قرار گرفتند ، ولی جایگزین شدن زبان تازی به جای زبان فارسی با شکست رو به رو شد . کتاب ها ، مقالات ، اسناد و نوشته ها اگرچه بیشتر به زبان و خط تازی بودند و گفت و گو و نگارش گروه وسیعی از مردمان با علم و دانش به زبان تازی بود و این عمل از افتخارات زندگی آن ها نیز به شمار می رفت ، ولی جایگزین شدن کامل خط و زبان تازی در بین کلیه مردم ایران زمین با شکست قطعی رو به رو شد . بسیاری از دانشمندان و دانش پژوهان مشهور و معتبر ایرانی که بعدها در ردیف بزرگان علم و اندیشه ی جهان در آمدند و نوشته های آنان تا قرن ها به صورت آمار و اسناد معتبر و به عنوان منابع و مأخذ بسیار با ارزش مورد استفاده ی مراکز علمی و ادبی جهان قرار می گرفت ، در نگارش آثار خود از خط تازی استفاده می کردند . پیشرفت و نفوذ سریع و همه جاتیه ی تازیان در کلیه امور اجتماعی و سیاسی و اداری ایرانیان سبب شد که خط عربی برای یک دوره ی نه چندان طولانی جایگزین خط فارسی شود ، ولی زبان رسمی توده های ایرانی هم چنان فارسی باقی ماند و همین امر باعث پایداری و دوام و بقای قومی گردید که در کوتاه ترین زمان تاریخی استقلال خود را از دست داده بود و یکی از بزرگ ترین امپراتوری های آن عصر را تسلیم تازیان کرده بود .

(اسناد و شواهد تاریخی بیاترگ واقعیت های ملموس زندگی و تمدن سرزمین های مختلف و مردمانی هستند که در آن جا سکونت می کرده اند . در علم نژاد شناسی تاریخی و بررسی در تاریخ تمدن ملت های باستان ، مصریان از چند هزار سال قبل از میلاد مسیح از قدمت تاریخی و تمدن قابل توجه و پیشرفته ای برخوردار بوده اند . تاریخ اختراعات و اکتشافات و تمدن باستانی سرزمین مصر و ساکنان کرانه ی رود نیل گویای این حقیقت تاریخی است که مردمان این نواحی از خط و زبان و تمدن و فرهنگ بسیار با اهمیتی بهره مند بوده اند . تاریخ تمدن مصر باستان ، شیوه ی معماری ، سبک شهرسازی ، هنر سنگ تراشی و مجسمه سازی ، صنعت ذوب فلزات و غیره که باید از یک زمینه ی پربار فکری و فرهنگی برخوردار باشد بر کسی پوشیده نیست و در این مختصر نیز جای گفت و گو در این باره نمی تواند باشد . یادآوری می کنیم که فاصله ی زمانی و مکانی جزیره العرب با سرزمین حجاز با سرزمین مصر و رود نیل و مقایسه ی این فاصله ی زمانی و مکانی با سرزمین ایران در قرن هفتم و هشتم میلادی که در همسایه گی جزیره العرب قرار داشت و هم اکنون نیز این فاصله جغرافیایی همانی است که در آن عصر بوده است و با در نظر گرفتن امکانات حمل و نقل خشکی - آبی آن عصر در لشکرکشی ها ، واقعیتی است که باید بدون تعصب مورد توجه و قضاوت قرار گیرد . بدین مفهوم که ایرانیان پاک نژاد و میهن پرست اگرچه خود به استقبال دین پاک پیامبر اسلام (ص) رفتند ، ولی هرگز خط و زبان و ملیت و قومیت و نژاد خود را در گرو تازیان قرار ندادند و سرزمین ایران را تسلیم بی گانه گان نکردند . دیدیم که از همان روزهای آغازین رحلت پیامبر (ص) ، ایرانیان پاک نهاد راه خود را از تازیان گمراهی که از راه پیامبر اکرم (ص) دور افتاده و اسیر تشریفات حکومتی و خلافت موروثی گشته بودند ، جدا کردند و با آغاز

زمزمه های استقلال طلبانه به تدریج از زیر سلطه ی خلافت تازیان به در آمدند و با حفظ خط و زبان و فرهنگ خویش به استقلال کامل رسیدند . در حالی که فاصله ی زمانی و مکانی جزیره العرب با ایران در مقایسه با سرزمین مصر بسیار ناچیز بوده و هست .

(و اما سرزمین مصر با آن گذشته ی تابناک تاریخ و تمدن باستانی ، اگرچه استقلال سیاسی خود را بعدها بازیافت ، ولی در اسارت تاریخی تمدن و فرهنگ و خط و زبان عرب باقی ماند و امروز چیزی از خط ، زبان و فرهنگ دیرین ، باستانی و پربار مصر باقی نمانده است . بسیاری از سرزمین هایی که با هجوم تازیان استقلال خویش را از دست داده بودند ، هرگز نتوانستند از



اسارت فکری و فرهنگی و خط و زبان عربی خارج شوند و در مواردی حتا استقلال سرزمین خود را دگرباره نتوانستند بازیابند .

(بنابراین ملتی که حاکمیت سیاسی و نظامی و جغرافیایی خود را در یورش بسیار کوتاه و ناگهانی تقدیم تازیان کرده بود ، به همان سرعت تسلیم ، دگرباره خیلی سریع به خود آمد و چون آرزوهای خود را نقش بر آب می دید و به هدف های خود نرسیده بود ، از همان سال های آغازین تسلط تازیان بر سرزمینش ، بنای مخالفت و مقاومت و ضدیت گذاشت و زمینه ی به وجود آمدن حکومت های محلی مستقل را به ویژه در مناطق خاوری و جنوب خاوری ایران پایه ریزی کرد که بعدها همین امر باعث ایجاد حکومت ها و دولت های مستقلی گردید که خلافت خلفای بغداد را نیز به خطر انداخت . (یکی از مشهورترین حکام این عصر که آشکارا به مخالفت با خلیفه برخاست و حتا به بغداد حمله کرد و داعیه ی براندازی خلافت را داشت یعقوب پسر لیث است که در آغاز جوانی روی گری می کرد و سپس دست به عیاری زد و در گیر و دار حوادث زمانه ، گروه هایی را به دور خود جمع کرد و سرانجام به فرمان روائی رسید و بنیان گزار سلسله صفاریان گردید . این امیر روی گرزاده به خوبی دریافته بود که بزرگ ترین راه مبارزه با تسلط تازیان ، مبارزه ی فکری و فرهنگی و گسترش زبان و ادبیات و اندیشه ی ایرانی است . به همین سبب با علاقه مندی فراوان به سنت های دیرپای ایرانی باقی مانده از نیاکان روی آورد و به داستان های ملی که سینه به سینه از تسلی به نسل دیگر منتقل شده بودند توجه خاص نشان داد .

نویسنده گان بای سنفری چنین اعلامه می دهند :

یعقوب پسر لیث چون از کتاب « دانشور دهقان » آگاه شد کسی را فرستاد تا کتاب را برایش بیاورد .

چون کتاب به دربار یعقوب رسید وی به ابومنصور عبد الرزاق بن عبدالله فرخ که معتمد الملک بود دستور داد که کتاب یاد شده را که به زبان پهلوی بود، به زبان پارسی برگرداند و از زمان خسرو پرویز تا پایان حکومت یزدگرد سوم هر آن چه که پیش آمده بود بر آن بیفزاید.

سپس ابومنصور عبدالرزاق وکیل پدر خود سعید بن منصور المعمری را مأمور کرد تا آن نسخه را به اتفاق چهار تن دیگر:

۱- تاج ابن خراسانی از هری (هرات)

۲- یزدان داد شاپور از سیستان

۳- ماهوی بن خورشید از نیشابور

۴- سلیمان بن نورین از توس

تنظیم کنند و آنان کتاب را در تاریخ سنین ثلث مائه هجری (۳۶۰ هجری) به پایان رسانیدند.

وقتی کتاب آماده شد در خراسان و عراق از آن نسخه ها گرفتند. چون پس از یعقوب و جانشینان اش نوبت به سامانیان رسید، اینان نیز علاقه ی فراوانی به کتاب یاد شده نشان دادند تا جایی که دقیقی شاعر مشهور عصر سامانیان دستور می یابد که کتاب دانشور دهقان را به شعر در آورد. دقیقی هنوز بیشتر از یک تا دو هزار بیت از کتاب را به شعر در نیاورده بود که به دست غلام خود کشته شد و کتاب ناتمام ماند. پس از سامانیان حکومت به ترکان غزنوی رسید که سلطان محمود یکی از بزرگان این سلسله است. از آن جایی که سلطان محمود در دستگاه سامانیان نشو و نما کرده بود شدیداً تحت تأثیر آن طایفه قرار داشت و به همین سبب بر آن شد تا کار آنان را در کتاب دانشور دهقان پی بگیرد. سلطان محمود غالباً درباره ی علوم مختلف و حکمت بحث می کرد و به «تاریخ ملوک عجم» علاقه ی بسیار زیادی داشت و به همین سبب بر آن شد تا کتاب را به شکلی دیگر در آورد که پیش از او هیچ کس نکرده باشد. ابتدا سلطان محمود دستور داد تا کتاب را به شعر در آورند. به روایت دیگر سبب افتادن کتاب یاد شده به دست سلطان محمود بدین گونه بوده است که یکی از شاه زاده گان فارس به نام خورفیروز از نژاد انوشیروان ساسانی به دلیل نا به سامانی زندگی و بخت و اقبال واژه گون از محل زندگی خود فارس، به ناچار ترک وطن می کند تا پس از چندی به شهر غزنی که مرکز حکومت سلطان محمود بود می رسد. وی بر آن می شود تا واژه گونی بختش و اوضاع و احوال زندگی نابه سامانش را برای سلطان محمود تعریف کند تا شاید چاره ای برای مشکلاتش یافت شود. به همین منظور به نزدیک درگاه سلطان محمود می آید که در رفت و آمدهای مکرر به شخصی بزخورد می کند که بسیار نیکو سیرت، خوش برخورد و مهربان است. این فرد امام سلطان محمود است و چون از سرگذشت و پریشان حالی خورفیروز آگاهی می یابد قول می دهد که در وقت مناسب در این مورد با سلطان محمود گفت و گو کند. خور فیروز چون به سلطان محمود می رسد، شرح حال باز می گوید و سخن از کتابی به میان می آورد که سلطان محمود به شعر در آوردن آن را به عنصری واگذار کرده بود. صحبت از کتاب می کند و سلطان از او می خواهد که به زادگاهش برود و کتاب را بیاورد. خورفیروز به دلایلی رفتن به زادگاهش را غیرممکن می خواند و می گوید با فرستادن کسی و بردن پیام و نامه ای رسیدن کتاب ممکن است. همین کار انجام می شود و پس از چندی کتاب به دربار سلطان محمود می رسد.

به روایتی دیگر چون حکام ولایت های مختلف مطلع می شوند که سلطان محمود در حال جمع کردن اسناد و مدارک و نوشته ها راجع به سیرت پادشاهان گذشته است هر کدام سعی می کنند تا جهت جلب توجه و دوستی سلطان محمود که برای آن ها بسیار ارزش مند است، در این کار سلطان محمود را یاری دهند، از جمله کسانی که در این کار پیش قدم می شوند یکی حاکم کرمان است. در آن زمان در کرمان شخصی بوده است به نام آذر برزین از نژاد شاپور ذوالاکتاف که علاقه ی فراوانی به جمع آوری اسناد و مدارک و اخبار و داستان های پادشاهان پیشین داشت. حاکم کرمان او را به دربار سلطان محمود می فرستد تا آن چه را که در این باره می داند در اختیار سلطان قرار دهد. چون سلطان محمود از نزدیک او را می بیند و از اطلاعات او باخبر می شود، او را به گرمی می پذیرد و حاکم کرمان را نیز که سبب این کار شده بود کرامت فراوان می کند.

به روایتی دیگر در مرو فردی بود به نام گرد آزاد از نژاد زال سام نریمان. اخبار و داستان های زال و سام و رستم را می دانست، به دربار محمود آمد و اطلاعات خود را در اختیار او گذاشت. بدین ترتیب آن چه که لازم بود درباره ی سرگذشت، سیستم حکومتی، شیوه ی مملکت داری، صورت زندگی و وضعیت اجتماعی پادشاهان ایران زمین فراهم آید، یک جا در دربار سلطان محمود گرد آمد.

(در همین مقدمه ی بای سنفر در شاه نامه ی امیر بهادر آمده است که برخی از مطالب مندرج در این کتاب از نظر تحلیلی و منطقی و عقلانی درست نیست. به عنوان نمونه رسیدن این کتاب به دست تازیان و رفتن آن به حبشه و مشهور گردیدن آن در هندوستان و هم چنین اشتباهات تاریخی فاحش در این کتاب مانند نام بردن از کتاب زند در زمان کیخسرو در حالی که ظهور زرتشت در زمان گشتاسب اتفاق می افتد که ۱۲۰ سال بعد از مردن کیخسرو است، و هم چنین ذکر مذهب عیسای مسیح در عهد اسکندر در حالی که امروز کاملاً مشخص است که اسکندر حدود ۳۰۰ سال پیش از تولد مسیح زندگی می کرده است.) ۲۱

نویسنده گان بای سنفری چنین ادامه می دهند:

کتاب یاد شده که از سرگذشت پادشاهان حکایت ها دارد از ابتدای سلطنت پارسیان یعنی پادشاهی کیومرث شروع می شود و تا کشته شدن یزدگرد سوم و تسلط تازیان بر ایرانیان در سال ۲۱ هجری پایان می پذیرد که تمام این دوره ۳۶۷۴ سال است بشرح زیر:

۱- پادشاهی پیشدادیان از کیومرث تا گرشاسب

۲۴۴۱ سال

۲- پادشاهی کیانیان از کی قباد تا اسکندر

۷۳۲ سال

۳- پادشاهی اشکانیان ملقب به طوایف الملوک

۲۰۰ سال

۴- پادشاهی ساسانیان از اردشیر بابکان تا یزدگرد سوم

۵۰۱ سال

- ۱- « پژوهشی در اندیشه های فردوسی » - جلد اول - چاپ ۱۳۵۳ - تهران - نگارش پروفسور فضل الله رضا
- ۲- « حماسه سرایی در ایران » - چاپ ۱۳۵۲ - تهران - نگارش دکتر ذبیح الله صفا - صفحه ۱۰
- ۳- « دیباجه شاه نامه فردوسی » - چاپ دوم - ۱۳۵۴ - تهران - نگارش : زول مول - ترجمه جهانگیر افکاری - صفحه ۳ و ۴
- ۴- فردوسی و شاه نامه - چاپ دوم - ۱۳۴۶ - تهران - نگارش : آ- آ- استاریکوف - ترجمه رضا آذرخشی
- ۵- سخنرانی و بحث درباره شاه نامه فردوسی - تهران - ۱۳۴۹ - از انتشارات فرهنگ و هنر - سخنرانی دکتر پرویز خالری صفحه ۵
- ۶- پژوهشی در اندیشه های فردوسی - تهران - ۱۳۵۳ - از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر - نگارش پروفسور فضل الله رضا - جلد اول - ص ۲۲ و ۲۳
- ۷- حماسه ملی ایران - تهران - ۱۳۲۷ - از انتشارات دانشگاه تهران - نگارش تودورنولدکه - ترجمه بزرگ علوی - ص ۴۱ و ۱۶۳
- ۸- متن انتقادی و علمی شاه نامه فردوسی - تهران - ۱۹۷۱ - نگارش رستم علی یف - محمد نوری عثمانوف ص ب
- ۹- متن انتقادی و علمی شاه نامه فردوسی - تهران - ۱۹۷۱ - نگارش رستم علی یف - محمد نوری عثمانوف - نقل قول از استاد سعید نفیسی در روزهای برگزاری هزارمین سال تولد فردوسی - منظور از کشور مطرح شده در گفتار استاد سعید نفیسی ، اتحاد جماهیر شوروی است . ص ج
- ۱۰- سخنرانی و بحث درباره ی شاه نامه ی فردوسی - تهران - ۱۳۴۹ - از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر - سخنرانی محمود شفیع - ص ۱۲۷
- ۱۱- شاه نامه شناسی - تهران - ۱۳۵۶ - از انتشارات بنیاد شاه نامه فردوسی سخنرانی رعدی آذرخشی - ص ۲ و ۶
- ۱۲- فردوسی نامه ی مردم و شاه نامه - ۲ تهران - ۱۳۵۴ - نگارش سید ابوالقاسم انجوی ص شش - هفت - ده - یازده - دوازده که در این علامت آمده است « ... »
- ۱۳- هرگونه تغییرات نوشتاری و تبدیل واژه های عربی به فارسی و زبان مورد استفاده روز و ساده کردن نثر نویسنده گان بای سنفری بدون کوچک ترین دست برد در مفهوم متن اصلی به وسیله ی نگارنده (م - کرمی) انجام شده است و به همین دلیل متن اصلی در این علامت « ... » قرار نگرفته است .
- ۱۴- این تنها کار ادبی و ارزش مند دوره ساسانیان نبود کلیله و دمنه ...
- ۱۵- شاه نامه ی امیر بهادر - گرفتن نوشیروان دژ سقیلا و سرگذشت کفش گر یا نوشیروان جلد چهارم - ص ۵۲۶ - انتخاب بیت ها برای بیان بهتر مطلب و کوتاه تر شدن متن یا نگارنده است .
- ۱۶- واژه بازار در این بیت به معنی قدرت - اهمیت - شایسته گی - نقل از لغت نامه دهخدا - جلد ۹ - ب - باقرخان ص ۳۵۰ - واژه بازار - سطر ۱۴ - در جای دیگر فردوسی می گوید :
پس از ما هر آن کس که گفتار ما
بخوانند ، دلنند ، بازار ما
- ۱۷- بی چاره = بی گریز - ناگزیر - بدون چاره - کسی که راه فرار ندارد .
- ۱۸- نگاه کنید به شاه نامه شناسی ۱- انتشارات بنیاد شاه نامه فردوسی - ۱۳۵۷ - گفتار انجوی شیرازی - ص ۲۳ - ۳۷
- ۱۹- بی گمان این پرسش برای خواننده گان گرامی پیش خواهد آمد که شاه نامه و پژوهش در زمینه ی شعر حماسی ایران چه رابطه ای با تاریخ تازیان ، پیدایش اسلام و فراز و فرود حاکمیت سیاسی عرب ها دارد !
- ۲۰- نگاهی به تاریخ جهان - جواهر لعل نهرو - ترجمه محمود تفضلی - ص ۱۴۴۵ - ۱۴۴۶ - جلد ۳ - چاپ چهارم - نامه ی ۱۶۵ و روزنامه کیهان

ص ۱۹ - شماره ۴۰۸۶

۲۱- در بیان وقایع تاریخی و اجتماعی خارج از بحث شاه نامه و شرح حال فردوسی علاوه بر مقدمه ی بای سنفری آن جا که لازم بوده است از منابع دیگر تاریخی و متن های ادبی موجود و مدارک و اسناد پیش و پس از اسلام ، حکومت خلفا پیدایش نهضت های مردمی علیه تسلط تازیان ، استیلای غلامان ترک و غیره استفاده شده که با دید و قلم نگارنده به نگارش در آمده است . در چنین مواردی مطالب در این علامت : (...) گذاشته شده و هیچ گونه رابطه ای با مقدمه ی بای سنفری ندارد .

۲۲- ۲۶۷۴ سال ، کل دوره پادشاهان یاد شده در کتاب مذکور می باشد که با تفکیک به چهار دوره جداگانه تقسیم شده است ، در حالی که جمع سال های این چهار دوره با رقم اعلام شده هماهنگ نیست و ۲۰۰ سال اختلاف را نشان می دهد . بی گمان باید ۲۸۷۴ سال باشد . پادشاهی ساسانیان در شاه نامه چاپ امیر بهادر ۴۹۶ سال و نه ماه آمده است در حالی که در این جا ۵۰۱ سال بیان شده است .



انسانی و مطالعات فرهنگی
سال هفتم علوم انسانی